

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران

قتل فجیع داریوش و پروانه فروهر در تهران

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ دسامبر ۱۹۹۸، اجساد غرق به خون داریوش فروهر و همسر وی پروانه، اسکندری در محل سکونت شان در تهران پیدا شد. اخبار رسیده حکایت از آن داشت که قاتلین بر اساس شیوه شناخته شده اینبار نیز با استفاده از سلاح سرد (دشنه و کارد) قربانیان خود را به فجیعانه ترین نحو به قتل رسانده اند. قتل داریوش و پروانه، فروهر موجی از انزجار و اعتراض جهانی را برانگیخت. بدون استثنا اینبار نیز انگشت اتهام بسوی جمهوری اسلامی نشانه رفت و همگی طراحان و مجریان این دو قتل را همان کسانی معرفی کردند که طی بیست سال حاکمیت اسلامی بر ایران، بختیارها، سامی ها، پرومنداها، قاسملوها، مظلومان ها، تفضلی ها و... را بی رحمانه در مسلخ خود قربانی نموده اند. در مراسم به خاکسپاری داریوش و پروانه، فروهر ده ها هزار تن از مردم تهران و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ملی ایران شرکت داشتند. مشایعت کنندگان اجساد، گاه با دادن شعارهایی علیه حاکمان اسلامی، آنان را مسئول این جنایت معرفی میکردند و در عین حال خواستار امنیت فردی و استقرار حقوق و آزادی های فردی می شدند. طی این مراسم قریب پانصد نفر از شرکت کنندگان از سوی مأموران انتظامی دستگیر شده اند که هنوز هیچ اطلاعی دقیقی از سرنوشت آنان در دست نیست. با اینکه داریوش و پروانه فروهر وصیت کرده بودند که اجسادشان در کنار شهدای جنبش ملی سی تیر در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شوند، اما، حاکمان اسلامی با انجام آخرین اراده قربانیان قتل مخالفت کردند و سرانجام بیکرهای داریوش و پروانه فروهر در قطعه ۸۹ گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شدند. علاوه بر صدها سازمان سیاسی، انجمن و شخصیت های اپوزیسیون ایران که انزجار خود را نسبت به قتل فجیعانه داریوش و پروانه فروهر اعلام کردند، ترور این دو شخصیت سیاسی وسیعاً در رسانه های جمعی جهانی نیز انعکاس یافت. در فرانسه دفتر روابط بین المللی حزب سوسیالیست این کشور در اطلاعیه ای این دو قتل را محکوم کرد. جامعه، حقوق بشر فرانسه در یک اطلاعیه مطبوعاتی ضمن محکوم کردن قتل این دو شخصیت برجسته، جنبش دموکراتیک ایران و نظر به سفر قریب الوقوع محمد خاتمی به فرانسه در ماه فوریه ۱۹۹۹، از رئیس جمهور و نخست وزیر فرانسه خواست که به طرف گفتگوی خود هشدار دهند که حفظ مناسبات اقتصادی و فرهنگی بین ایران و کشورهای دموکراتیک اتحادیه اروپا مشروط به تعهد عملی دولت خاتمی مبنی بر سرکوب جدی اعمال تروریستی علیه مخالفین سیاسی ایرانی است. این اطلاعیه همچنین از رئیس جمهور و نخست وزیر فرانسه خواسته است

اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مراجعه کند و مورد بازجویی قرار بگیرد. پس از انتخاب محمد خاتمی، در دوم خرداد ۱۳۷۶، مجید شریف همکاری علنی خود را، بعنوان روزنامه نگار، با مطبوعات داخل کشور آغاز کرد و نقطه نظرانش را بویژه در ماهنامه تعطیل شده "ایران فردا" منعکس می نمود. مجید شریف شش روز بیشتر در ۱۹ نوامبر ۹۸، بطور ناگهانی ناپدید شد. سه شنبه ۲۴ نوامبر ۹۸، خانواده، وی گم شدنش را به اطلاع مطبوعات و رسانه های جمعی رساند و یک روز بعد، ۲۵ نوامبر، پزشکی قانونی تهران به بستگان و نزدیکان او خبر داد که جسد وی را یافته و از آنان خواست که برای شناسائی جسد به این سازمان مراجعه کنند. پزشکی قانونی در تماس خود علت مرگ مجید شریف را ایست قلبی عنوان کرده است. خبر مرگ مجید شریف هنگامی به دستمان رسید که هنوز چند روزی از قتل فجیع داریوش فروهر و پروانه، اسکندری نمی گذشت. قطعاً این اولین بار نیست که روشنفکران و مخالفین حکومت اسلامی مفقود و سپس اجسادشان یافت می شوند و مراجع حکومتی علت یا عاملین مرگ را به "ایادی خارجی" یا "عارضه قلبی" ... نسبت می دهند. دفتر آقای ابوالحسن بنی صدر در پاریس طی اطلاعیه ای مسئولیت مرگ مجید شریف را متوجه دولت جمهوری اسلامی ایران دانست. "کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران" نیز در اطلاعیه مطبوعاتی خود، نظر به تسلسل و گستاخی ریشه آور قتل های سیاسی اخیر در ایران، مرگ مجید شریف را دست کم مشکوک خواند. این کمیته هشدار داد که خطری سازمانیافته جان روشنفکران و نویسندگان دگر اندیش و مخالفین سیاسی کشورمان را یکبار دیگر بطور جدی تهدید می کند و از اینرو مردم ایران را به هوشیاری و مقاومتی فراخواند.

از سرنوشت پیروز دوانی اطلاعی در دست نیست

پیروز دوانی از بیش از دو ماه پیش بطرز نگران کننده ای مفقود شد. روزنامه "کار و کارگر" در تهران در یکی از آخرین شماره های ماه نوامبر خود گزارش کرد که پیروز دوانی در زندان اعدام شده است. نهضت آزادی ایران در نامه سرگشاده ای به محمد خاتمی که به امضاء شمار مهمی از شخصیت ها سیاسی، نویسندگان و روزنامه نگاران کشور رسیده است، ضمن ابراز نگرانی از سرنوشت نامعلوم پیروز دوانی از محمد خاتمی خواست که با توجه به اختیارات سیاسی و قانونیش به فوریت در روشن کردن سرنوشت مفقود شده اقدام کند. پیروز دوانی که همواره خود را از فعالان جنبش چپ معرفی کرده است از چندی پیش، پس از خروج از زندان فعالیت های علنی در مخالفت با نظام ولایت فقیه و نقد قانون اساسی جمهوری اسلامی آغاز کرده بود و از طریق مقالات و مصاحبه های خود در نشریات علنی کشور نقطه نظرانش را ابراز می نمود.

که دولت محمد خاتمی به شرطی بتواند از رابطه با اتحادیه اروپا برخوردار گردد که به فوریت تدابیر واقعی را برای تضمین آزادی های اساسی در ایران اتخاذ نماید. شمار وسیعی از شخصیت های ملی و سیاسی اپوزیسیون ایران در مراسم یادبود و تجلیلی که به مناسبت قتل داریوش و پروانه، فروهر در پاریس برگزار شد، بیاننامه ای را منتشر و امضاء کردند و طی آن خواستار اعزام یک هیأت بیطرف به ایران مرکب از سازمانهای مدافع حقوق بشر، برای بررسی پرونده قتل داریوش و پروانه، فروهر شدند. کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن قتل وحشیانه داریوش فروهر و پروانه، اسکندری، همه ایرانیان را به مقاومت فراگیر علیه توحشی فراخواند که قریب بیست سال بر جامعه، ما حکمفرماست. "همین اطلاعیه می افزاید: هیچ تردیدی نیست که جمهوری اسلامی در وجود آن دهر و دیگر شخصیت های مشابه، تهدید سیاسی جدی برای قیومیت و نظام آکنده از فساد و تباهی خویش را دیده است. این جنایت ریشه آور دوباره اثبات می کند که دستگاه ترور دولت اسلامی هیچ از کار نایستاده است. اینک بیم آن می رود که موج جدیدی از ترور و سرکوب بار دیگر دگراندیشان و مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی ایران را آماج بی رحمانه خود قرار دهد." داریوش فروهر (حقوقدان)، بنیانگذار و رهبر حزب ملت ایران، پروانه، اسکندری مبارز و آزاده سرشناس و فرهیخته، هر دو از شخصیت های برجسته، جنبش ملی ایران طی چند دهه، اخیر بودند. هر دو آنان نه فقط در دوره سلطنت پهلوی، بلکه در دوره حاکمیت بیست ساله اسلامی در ایران نیز رنج طاقت فرسای اسارت و پی گیری و آزار و اذیت دائم را چشیده بودند. هر دو آنان نه فقط هیچگاه با نظام ولایت فقیه جمهوری اسلامی از در سازش و مصالحه درنیامدند، بلکه همواره و بی پروا الغاء حکومت دینی و استقرار دموکراسی در ایران را خواستار شدند و پیوسته وجدان بیدار جامعه را به مقاومت علیه جمهوری اسلامی ایران دعوت کرده بودند.

مرگ مشکوک مجید شریف، نویسنده و روزنامه نگار ایرانی

پنج روز پس از ناپدید شدن مجید شریف، عضو دفتر پژوهشهای فرهنگی دکتر علی شریعتی، پزشکی قانونی تهران اعلام کرد که جسد او را در اختیار دارد و بستگان وی را برای شناسائی آن فرا خواند. مجید شریف در اوائل سال های ۱۹۸۰ از دولت فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بود و در این کشور اقامت داشت. او در ابتدا به شورای ملی مقاومت نزدیک شد، اما، بعدتر از این سازمان فاصله گرفت. مجید شریف در دوره اقامتش در فرانسه تحصیلات دانشگاهی را در رشته جامعه شناسی ادامه داد و موفق به اخذ پایان نامه دکتر شد. سه سال پیش او با ارجحیت دادن به مبارزه در داخل کشور، فرانسه را به قصد ایران ترک کرد و پناهندگی خود را به مقامات این کشور بازپس داد. از هنگام بازگشتش به ایران او همواره مجبور بود به وزارت

امیر انتظام همچنان در زندان است

عباس امیرانتظام، معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت در کابینه، مهندس مهدی بازرگان، پس از گذراندن بیش از هیجده سال در زندانهای جمهوری اسلامی، اینک بیش از سه ماه است که مجدداً در زندان اوین محبوس است. دادگستری تهران ظاهراً به اتهام توهین به اسدالله لاجوردی و بر اساس شکایت فرزند او، امیرانتظام را به دادگاه احضار کرده و قاضی به بهانه، اینکه امیرانتظام فاقد وثیقه، قانونی مورد قبول دادگاه است وی را به اوین فرستاد. فردای آنروز وکیل امیرانتظام و همسر او با در دست داشتن سند یک خانه به عنوان وثیقه، آزادی او به اوین مراجعه کردند، اما، اینبار مسئولان زندان اعلام داشتند که امیرانتظام به اتهام جرائم دیگری در زندان خواهد ماند. عباس امیرانتظام از بیماری نارسائی کلیه، عفونت گوش و بیماری های پوستی که به همه آنها در دوره هیجده سال زندان مبتلا شده است، سخت رنج می برد. اخیراً همسر او طی نامه ای به محمد خاتمی خواستار دخالت وی برای آزادی نامبرده شده است.

از سرنوشت محسن سعیدزاده اطلاعاتی در دست نیست

حجت الاسلام محسن سعیدزاده، اینک بیش از ۹ ماه است که در زندان جمهوری اسلامی محبوس است. اتهام او ظاهراً مقاله ایست که تحت عنوان "طالبان حق دارد" در انتقاد طنز آمیز به برخی از احادیث اسلامی نوشته است. او در این مقاله از قول کتابهای فقه از جمله نوشته های مجلسی، از مراجع تاریخی روحانیت شعبیه، نوشته است که در بسیاری از این کتابها زنان در حد چارپایان و یا اشیاء به حساب می آیند؛ مردان حق دارند زنان را کتک بزنند؛ زن باید حتی الامکان در چاردیواری خانه نگهداری شود و... مقامات قضائی از هنگام دستگیری محسن سعیدزاده تاکنون حاضر نشده اند راجع به علت دستگیری او یا زمان محاکمه اش اظهار نظر کنند.

سرکوب مردم در مهاباد

بنا بر اطلاعاتی، حزب ملت ایران، در تاریخ ۹ آبانماه، جوان بیست ساله ای که یک محموله چند کیلویی مواد غذایی با خود حمل می کرد و قصد ورود به شهر مهاباد را داشت، در گلوگاه شهر مورد بازجویی مأموران انتظامی قرار گرفت و پس از آنکه نسبت به اقدامات آنان اعتراض نمود، یکی از مأموران با اسلحه کمری او را به قتل رساند. از همینرو، مردم در شهر مهاباد دست به اعتراض زدند و در درگیریهایی که میان آنان و مأموران انتظامی رخ داد، دو نفر از اهالی شهر کشته شدند.

فتوای قتل سلمان رشدی پا بر جاست در حالیکه ظاهراً دولت خاتمی در برابر افکار عمومی بین المللی متعهد شد که دولت او برای اجرای حکم قتل سلمان رشدی اقدامی بعمل نمی آورد، موج جدیدی از تبلیغات در ضرورت اجرای فتوای قتل رشدی، در منابر و مساجد ایران بر پا شده و جوایز جدیدی نیز به قاتل یا قاتلان داوطلب وعده داده می شود. پس از افزایش جایزه از سوی بنیاد ۱۵ خرداد و تعیین یک جایزه جدید از طرف اتحادیه دانشجویان حزب الله، اخیراً اهالی یک روستا در مازندران هم جایزه جدیدی بر جوایز قبلی افزوده اند. ظاهراً اهالی این روستا اعلام کرده اند که به هر کسی که رشدی را بکشد ۴۵۰۰ متر مربع زمین مزروعی، ۱۵۰۰ متر مربع باغ، یک باب خانه و ده تخته فرش جایزه خواهند داد.

ستاد حمله در کرج و تهران

به نوشته کیهان چاپ لندن (۲۲ اکتبر) در کرج، مرکزی دایر شده است که چماقداران حزب الهی را برای حمله به تجمعات، جلسات سخنرانی و دفاتر مطبوعات دگراندیش، بسیج و هدایت می کند. این گروههای مهاجم، مجهز به موتورسیکلت و انواع سلاحهای سرد و گرم هستند. آنها، هنگامی که دستوری برای حمله به جایی صادر می گردد، جدا از هم به سوی تهران حرکت می کنند تا با گذشتن از محله های مختلف بیشترین وحشت ممکن را به وجود آورند، در تهران نیز پارکینگ مخصوصی دارند که وسیله نقلیه خود را در آن قرار می دهند و از آنجا خود را به مکان هایی که باید مورد تهاجم قرار گیرد، می رسانند. همین روزنامه در خبر دیگری بتاريخ ۲۹ اکتبر درباره نقش روزنامه کیهان در سازماندهی حمله به اجتماعات و پیرونده سازی علیه دگراندیشان می نویسد: "تدارک حمله به عبدالله نوری وزیر کشور و عطاالله مهاجرانی وزیر ارشاد خاتمی در ساختمان روزنامه کیهان دیده شد."

حمله اوباش حزب الهی به جهانگردان آمریکائی در تهران

پس از حمله، گروهی از اوباش حزب الهی به جهانگردان آمریکائی در تهران، روزنامه "سلام" نظر خود را درباره سفر هیات آمریکائی و حمله به اتوبوس آنان در قالب "پاسخ ویژه" به یک خواننده چنین بیان کرده است: "در برخی از نشریات آمده است که گروهی از مردم طی تظاهراتی اعتراض امیز به اتوبوس حامل ۱۳ آمریکائی حمله کردند! اصل ماجرا از این قرار بوده است که اتوبوس حامل سیزده آمریکائی که آنان را از سفر به اصفهان برمی گردانده ساعت دوازده شب به تهران می رسد و نزدیک یک بعد از نیمه شب به مقابل هتل استقلال که محل اسکان آنان بوده است می رسند و ملاحظه می کنند راه آنان بسته شده است. در این هنگام سرنشینان یک آهوی و یک پیکان و دو موتور سیکلت با میله های آهنی به شیشه های اتوبوس حمله می کنند و آنها را در هم می شکنند و در این حال بعضی از مهاجمان با سلاح هایی که در اختیار داشته اند شروع به تیراندازی هوائی می کنند و به صورت رگبار و تک تیر ایجاد رعب و وحشت کرده و سپس بلافاصله محل را ترک می نمایند و در این مدت هیچ کس به کمک سرنشینان نمی آید و راننده اتوبوس مسافران را به هتل دیگری منتقل می کند و سرانجام با رسیدن نیروی انتظامی مجدداً سیزده آمریکائی به هتل استقلال برمی گردند و فردای همان روز ایران را ترک می کنند.

نقض مداوم حقوق بشر در ایران

موريس کاپیتورن، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در گزارش اخیر خود درباره ایران، اعلام کرد: "حقوق بشر همچنان در ایران نادیده گرفته می شود و برای استقرار جامعه ای مبتنی بر مدارا در این کشور هنوز راه طولانی در پیش رو است." او می افزاید: "وضعیت زنان هنوز بهبود نیافته است و آنان همچنان حق انتخاب پوشش خود را ندارند و نوع پوشش با خشونت به آنان تحمیل می گردد." کاپیتورن در گزارش خود آزار و اذیت بهائیان را توسط جمهوری اسلامی قویاً محکوم کرده و از جمهوری اسلامی خواسته است که از اعدام و آزار بهائیان و اعمال تبعیض در مورد آنان خودداری کند. او در زمینه آزادی مطبوعات یاد آور شده است که اگر چه: "در مورد آزادی بیان پیشرفت های ملموسی به چشم می خورد، اما اغلب به نظر می رسد که هر پیشرفتی با یک عقب نشینی همراه بوده است." گزارش موريس کاپیتورن درباره نقض حقوق بشر

در ایرانی زمانی منتشر شد که کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل به تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۸، طی قطعنامه ای جمهوری اسلامی را به دلیل نقض آشکار حقوق بشر در ایران محکوم کرد. قرار است که متن این قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل به رای گیری گذاشته شود.

آزار و اذیت جامعه بهائیان در ایران

بر اساس اطلاعاتی، مطبوعاتی محفل بهائیان آلمان، ۳۲ معلم بهائی در ایران توقیف و لوازم منزل و کتابهای درسی آنان نیز غارت شده اند. مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران همزمان در ۱۴ شهر به منزل معلمین بهائی هجوم برده اند و ۳۲ تن از آنان را بازداشت کرده اند. به گزارش این اطلاعاتی، جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس خود جوانان جامعه بهائی را از حق تحصیل و ورود به دانشگاه محروم ساخته اند و از اینرو غالب این جوانان از طریق مکاتبه ای با دانشگاههای خارجی به تحصیل ادامه می دهند. گفته می شود که معلمین بهائی دستگیر شده از اعضاء آموزشی مؤسسه تحصیلی هستند که که به ابتکار جامعه بهائیان ایران برای ادامه تحصیل فرزندانشان دایر شده است. به گفته محفل ملی بهائیان آلمان، هجوم مأموران وزارت اطلاعات دولت اسلامی به مراکز آموزش آنان در ایران حاکی از آن است که جمهوری اسلامی قصد دارد حتی مانع از تحصیل خصوصی جوانان آنان گردد. همین اطلاعاتی می افزاید که جمهوری اسلامی ایران دو بهائی به نام های سیروس ذبیحی مقدم و هدایت کاشفی نجف آبادی را به اعدام محکوم کرده اند و یکی بهائی دیگر، پناام عطاالله حمید نظرزاده، به ده سال زندان محکوم کرده اند. نامبردگان در شهر مشهد زندانی هستند.

اتهام گردانندگان و نویسندگان روزنامه "توس" همچنان ناروشن است

به دنبال سخنرانی شدیدالجن ایت الله خامنه ای علیه مطبوعات دگر اندیش که طی آن مطبوعات مذکور را به اقدام علیه نظام و امنیت ملی متهم کرد، قوه قضائیه حمله وسیعی را علیه مطبوعات آغاز کرد و طی آن روزنامه، توس نخستین نشریه ای بود که توقیف شد و مسئولین آن بازداشت شدند. همین حمله دامن نشریات دیگر و از جمله ماهنامه "جامعه سالم" را گرفت و منجر به توقیف آن ماهنامه شد. پس از چندی به دنبال آزادی حمید رضا جلالی پور مدیر مسئول روزنامه های "جامعه" و "توس"، ماشاء الله شمس الواعظین سردبیر، محمد صادق جوادی حصار صاحب امتیاز و سیدابراهیم نبوی نویسنده این روزنامه با قرار وثیقه، پس از یک ماه بازداشت، از زندان آزاد شدند. به نوشته روزنامه همشهری این عده از ۲۵ شهروید در بازداشت بوده و تقریباً تمام این مدت را در سلول های انفرادی به سر برده اند. در حالی که دادگاه اتهام آنان را فعالیت علیه امنیت ملی اعلام می کند، هیئت نظارت بر مطبوعات دلیل توقیف روزنامه "توس" را اهانت به آیت الله خمینی ذکر کرده، هر چند که هیچیک از این اتهامات در دادگاه صالحه و با حضور هیئت منصفه به اثبات نرسیده است.

نشانی

Comité Iranien Contre la Répression et le Terrorisme d'Etat
42, Rue Monge, 75005 Paris, France
Fax : (0033)0143441452

شماره حساب بانکی:

CCP 3943263 W la source